

با نام و یاد خدا

کتاب



کلاس دهم انسانی

تهیه شده توسط وبسایت [بتافایل](#)



درس ۱: منطق، ترازوی اندیشه

علمی که در پی جلوگیری از خطای اندیشه است، **منطق** نام دارد. منطق‌دانان کوشیده‌اند با بررسی انواع خطاهای ذهن و دسته‌بندی آنها، راه‌های جلوگیری از آنها را نشان دهند. ایشان قواعدی را که باید رعایت کنیم تا دچار خطای فکری یا اصطلاحاً مغالطه (سفسطه) نشویم، مشخص کرده‌اند.

حکایت

در یونان باستان، استادی که به شاگرد خود شیوه‌های موفقیت در وکالت را آموزش می‌داد، با او قرار گذاشت که حق الزحمه خود را پس از پیروزی در اولین دادگاهی که شاگردش در آن شرکت خواهد کرد، دریافت کند. استاد پس از چند جلسه تدریس، شاگرد خود را به دادگاه برد و از وی شکایت کرد که حق الزحمه وی را نمی‌دهد. استاد مدعی بود که دادگاه یا حق را به جانب وی می‌دهد که در این صورت شاگرد موظف است حق الزحمه او را بپردازد، یا آنکه حق را به جانب شاگرد خواهد داد، که در این صورت بر اساس قراردادی که میان آنها وجود دارد، چون شاگرد در اولین دادگاهی که در آن شرکت کرده پیروز شده است، موظف است تا حق الزحمه او را بپردازد! بنابراین نتیجه دادگاه هرچه باشد، شاگرد باید حق الزحمه او را فوراً بپردازد.

- این داستان نمونه‌ای از یک مغالطه است. به نظر شما استدلال استاد چه اشکالی دارد؟

شاگرد گفت: "نتیجه دادگاه هرچه باشد، من نباید حق الزحمه استاد را پرداخت کنم؛ زیرا یا دادگاه مرا تبرئه و حکم می‌کند که نباید پولی بپردازم یا مرا محکوم خواهد کرد که در این صورت براساس قراردادی که میان ما وجود دارد، چون در دادگاه پیروز نشده‌ام، نباید پولی بپردازم؛ بنابراین نتیجه دادگاه هرچه باشد، من نباید پولی بپردازم!"

- آیا می‌توانید اشکال استدلال شاگرد را مشخص کنید؟

مغالطات همچون بیماری‌هایی هستند که باید از دچار شدن به آنها برحذر بود. از این رو دانستن آنها برای منطق دان لازم است تا بتواند با آنها مبارزه کند. همان گونه که در علم پزشکی انواع بیماری‌ها و روش‌های پیشگیری و درمان آنها را بیان می‌کنند، در علم منطق نیز به همراه بیان قوانین حاکم بر ذهن، روش‌های جلوگیری از مغالطات را بیان می‌کنند. البته تأکید منطق بر آموزش شیوه درست اندیشیدن است تا از این طریق قادر به تشخیص خطاهای ذهن - که بی‌شمارند - باشیم.

ذهن انسان به صورت طبیعی بر اساس قواعدی می‌اندیشد. منطق‌دانان این قواعد را کشف کرده‌اند و به صورت علم منطق در اختیار ما قرار داده‌اند. گرچه ذهن انسان به طور طبیعی منطقی رفتار می‌کند و بدون دانستن نام‌های این قواعد، آنها را در زندگی خود به کار می‌برد؛ اما ذهن همواره در معرض لغزش قرار دارد و معمولاً در استدلال‌های پیچیده یا تعریف دقیق اصطلاحات خاص، دچار اشتباه می‌شود. به همین دلیل با به کارگیری علم منطق که به دسته بندی و توضیح قواعد ذهن می‌پردازد، سریع‌تر و دقیق‌تر می‌توان عوامل لغزش و خطای ذهن را تشخیص داد.

همچنین باید توجه داشت که منطق علمی کاربردی است که تبخّر در آن به تمرین و ممارست نیاز دارد. آموختن منطق مانند آموختن دوچرخه سواری است که باید به صورت عملی فراگرفته شود و خواندن دستورالعمل‌های نظری، فرد را تبدیل به دوچرخه سواری ماهر نمی‌کند.

توجه به این نکته نیز لازم است که دانش منطق، ابزاری در خدمت سایر علوم و دانش‌هاست. منطق همچون سیستم‌های کنترلی یک خودرو است که میزان بنزین، سرعت حرکت و گرمای موتور را به ما نشان می‌دهند و در مقابل مشکلات به ما هشدار می‌دهند؛ اما باعث حرکت خودرو نمی‌شوند. بدین جهت منطق را به شاقول بنایی تشبیه کرده‌اند که به کارگیری آن باعث پدید آمدن بنای فکری مستحکمی می‌شود؛ اما آجرها و مواد لازم برای ساختن این بنا را باید از علوم دیگر تهیه کرد.

حیطه کاربرد منطق

اگرچه دانستن منطق برای فهم فلسفه (که سال آینده با آن آشنا خواهید شد) از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ اما باید توجه داشت که دانستن منطق تنها برای ارزیابی اندیشه‌های فلسفی به کار نمی‌رود؛ بلکه هر یک از ما در سراسر زندگی خود بدان نیازمندیم؛ زیرا می‌خواهیم درست فکر کنیم و درست تصمیم‌گیری کنیم. ما هر روزه مطالبی را برای دوستانمان بیان می‌کنیم؛ برای متقاعد کردن آنان دلیل می‌آوریم و می‌کوشیم تا در تعلیم و تعلّم دچار خطا نشویم یا در داد و ستد، فریب کلاهبرداران را نخوریم. امروزه با فراگیر شدن رسانه‌ها و حجم انبوه اطلاعات صحیح و غلط، بیش از پیش نیازمند علمی هستیم که شیوه‌های جلوگیری از خطای اندیشه را به ما آموزش دهد. معمولاً نشریات مختلف در بسیاری از عناوین و مطالب خود، استدلال‌هایی را به نفع عقاید مورد نظرشان مطرح می‌کنند. اغلب آگهی‌های تجاری نیز نوعی استدلال هستند که می‌خواهند مخاطب را به این نتیجه برسانند که "فلان کالا را بخرید!". اینها نمونه‌هایی هستند که برای بررسی درستی و نادرستی آنها به منطق

نیازمندیم. بنابراین استدلال آوری و تعریف کردن صحیح، اموری نیستند که تنها در محیط تحصیلی، با آنها سر و کار داشته باشیم. این امور بخشی از سخنان روزانه ما را تشکیل می‌دهند.

حکایت

استادی منطق را به شاگردان خود تعلیم داد و از ایشان خواست تا به بازار شهر بروند و ببینند که مردم تا چه اندازه با منطق آشنا هستند و آیا از آن استفاده می‌کنند؟ شاگردان پس از بازگشت گفتند: هیچ کس در بازار منطق نمی‌دانست، زیرا کسی حتی یک اصطلاح منطقی نیز در بازار به کار نمی‌برد. استاد گفت: پس منطق را به خوبی نیاموخته‌اید!

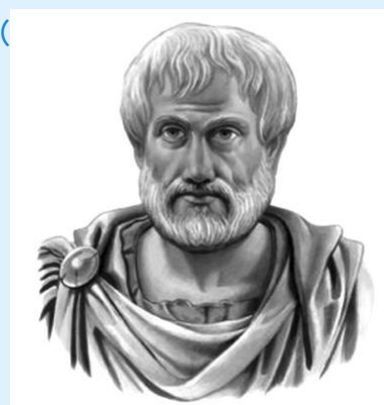
وی بار دیگر مباحث منطقی را به آنها تعلیم داد و مجدداً درخواست خود را تکرار کرد. این بار شاگردان پس از بازگشت گفتند که تمامی مردم به طور طبیعی منطق می‌دانند و بیش و کم از آن استفاده می‌کنند؛ اما از اصطلاحات آن بی اطلاع‌اند. استاد گفت: اکنون منطق را به خوبی آموخته‌اید.

شما نیز اگر در پایان سال تحصیلی، احساس کردید که تنها چند اصطلاح جدید حفظ کرده‌اید و موارد کاربرد آنها در زندگی خود را نیافته‌اید، بدانید که منطق را به درستی نیاموخته‌اید.

منطق و سیر گسترش آن

منطق یکی از قدیمی‌ترین علوم است که امروزه در جدیدترین فناوری‌ها به کار گرفته می‌شود. در یونان قوانین منطق نخستین بار توسط ارسطو، در سده چهارم پیش از میلاد مسیح گردآوری شد که امروزه به منطق ارسطویی مشهور است.

(ارسطو ۳۲۲ - ۳۸۴ پیش از میلاد)

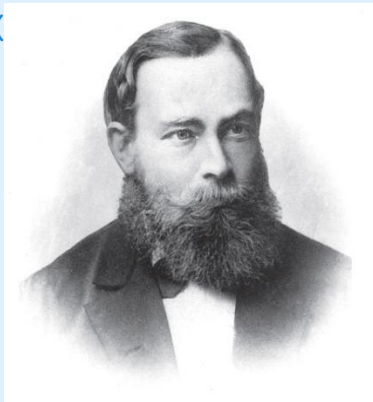


پس از وی آثار فیلسوفان رواقی باعث توسعهٔ این دانش شد. با ورود این علم به جهان اسلام، ابن‌سینا سهم مهمی در توسعهٔ آن داشت. منطق از ابتدا همواره یکی از ابزارهای ویژهٔ فلسفه بوده است؛ چنان که بخش مهمی از مطالعات فلسفی در شاخه‌هایی همچون فلسفهٔ تحلیلی، فلسفهٔ زبان، فلسفهٔ ریاضی و فلسفهٔ منطق به مباحث منطقی اختصاص دارند.

امروزه پس از فرگه (Frege) منطق و ریاضیات بیش از پیش به یکدیگر نزدیک شده‌اند و منطق ریاضی یکی از شاخه‌های مهم رشتهٔ ریاضی به شمار می‌آید. همچنین منطق در فناوری‌های هوشمند کاربرد وسیعی یافته است و مدارهای منطقی، بخش جدایی ناپذیری از مهندسی الکترونیک و مهندسی سخت افزار و هوش مصنوعی گردیده‌اند.

منطق در سایر علوم و دانش‌ها همچون روانشناسی، فقه، حقوق، علوم اجتماعی و... نیز کاربرد وسیعی دارد.

(فرگه ۱۹۲۵ - ۱۸۴۸ م)



دو حیطهٔ اصلی منطق: تعریف و استدلال

برای آشنایی با دو حیطهٔ اصلی منطق، لازم است به تفاوت تصور و تصدیق توجه کنیم. بدین منظور به سؤالات زیر پاسخ دهید:

- آیا می‌دانید تاکدیس چیست؟

- آیا می‌دانید سیمرغ و سی مرغ چه هستند و چه تفاوتی با هم دارند؟

ممکن است اکثر شما ندانید تاکدیس چیست؛ اما کم و بیش تصویری از مرغ و سیمرغ دارید. اکنون سیمرغ را در چند جمله توصیف کنید:

با این کار چند جمله دربارهٔ تصور سیمرغ بیان کرده‌اید و اوصافی را به آن نسبت داده‌اید. بر این اساس می‌توانیم دانش بشری را به دو حیطهٔ کلی تقسیم کنیم:

- ۱- **تصور:** مانند درک ما از سیمرغ، درخت، مثلث قائم الزاویه و مانند آن. در این حالت به واقعیت داشتن یا نداشتن یا ارتباط این تصور با سایر امور، کاری نداریم و تنها همان تصور را به ذهن می‌آوریم.
- ۲- **تصدیق:** مانند جملاتی که دربارهٔ سیمرغ بیان کردید یا جملاتی چون "درختان در روز اکسیژن تولید می‌کنند"، "مثلث قائم الزاویه سه زاویهٔ مساوی ندارد". همان‌طور که می‌بینید در تصدیقات، حکم و قضاوت وجود دارد و در آنها اوصافی را به چیزی نسبت می‌دهیم یا از آن سلب می‌کنیم.

تمرین (صفحهٔ ۸ کتاب درسی)

از میان موارد زیر تصور و تصدیق را مشخص کنید:

سیمرغ (تصور)

سیمرغ افسانه‌ای (تصور)

سیمرغ پرنده‌ای افسانه‌ای است. (تصدیق)

دانا (تصور)

توانا بود هرکه دانا بود (تصدیق)

اکنون به سؤالات زیر پاسخ دهید:

- اگر کسی تاکنون میوهٔ دارابی را ندیده باشد و بپرسد که "دارابی چیست؟" چه پاسخی به وی می‌دهیم؟
قاعدتاً سعی می‌کنیم به کمک آنچه تاکنون دیده است، دارابی را برای وی توصیف کنیم. مثلاً می‌گوییم: یکی از مرکبات است و از نظر مزه چیزی بین پرتقال و نارنگی است و معمولاً پوستی سبز رنگ دارد و... .

- اگر کسی تصویری از بلیت الکترونیکی اتوبوس نداشته باشد، چگونه می‌توانیم آن را به وی معرفی کنیم؟
برای این کار نیز از تصورات معلوم وی استفاده می‌کنیم و شیء جدید را برای وی توصیف می‌کنیم؛ مثلاً می‌گوییم بلیت الکترونیکی به جای بلیت‌های کاغذی استفاده می‌شود و چیزی شبیه کارت بانکی است که با قراردادن آن بر روی دستگاهی که در اتوبوس‌ها یا ایستگاه‌های اتوبوس درون شهری نصب شده است، از مبلغی که در آن ذخیره کرده‌اید کم می‌شود، با این کار یک تصور مجهول را به کمک چند تصور معلوم "تعریف" کرده‌ایم.

- اگر به شما که شنا بلد نیستید بگویند: "اگر شنا بلد نباشید، وارد شدن به قسمت پرعمق استخر خطرناک است"، چه نتیجه‌ای می‌گیرید؟

قاعداً به این نتیجه می‌رسید که باید در قسمت کم عمق بمانید.

- اگر کسی نداند که "بلیت‌های الکترونیکی در وقت و هزینه‌ی ما صرفه جویی می‌کنند"، چگونه می‌توانیم درستی این جمله را برای وی ثابت کنیم؟

برای این کار از تصدیق‌های معلوم وی استفاده می‌کنیم و از طریق "استدلال"، درستی تصدیق جدید را به او نشان می‌دهیم؛ مثلاً می‌توانیم برای وی مزایای این نوع بلیت را نسبت به بلیت‌های کاغذی برشماریم. با این کار یک تصدیق مجهول را به کمک تصدیق‌های دیگر معلوم ساخته‌ایم. بنابراین به کمک تعریف، از تصورات معلوم به شناخت تصورات مجهول و به کمک استدلال از تصدیق‌های معلوم به کشف تصدیق‌های مجهول دست می‌یابیم.



از آنجا که وظیفه‌ی منطق جلوگیری از خطای اندیشه است، علم منطق به دو بخش اصلی تقسیم شده است:

۱- **تعریف**؛ که در آن روش صحیح تعریف کردن بیان می‌شود و به ما کمک می‌کند تا از تعریف اشتباه پرهیز کنیم.

۲- **استدلال**؛ که در آن روش صحیح استدلال کردن بیان می‌شود و به ما کمک می‌کند تا از استدلال اشتباه پرهیز نماییم.

برای پرداختن به هر یک از این دو مبحث، لازم است مباحثی مقدماتی مطرح شوند. به عنوان مثال پیش از پرداختن به مبحث تعریف لازم است با نکاتی درباره مفاهیم و الفاظ آشنا شویم و پیش از ورود به مبحث استدلال با قضیه و اقسام آن آشنا شویم.

تمرین (صفحه ۱۰ کتاب درسی)

مشخص کنید که کدام یک از موارد زیر تعریف و کدام یک استدلال هستند:

- چون قاشق چوبی گرما را منتقل نمی‌کند، غذا را با آن هم بزنی دستت نمی‌سوزد. **استدلال**
- منطق علمی است که از خطای ذهن جلوگیری می‌کند. **تعریف**
- معلم ما در کلاس است؛ پس در خانه‌اش نیست. **استدلال**
- ترابری یعنی حمل و نقل کالا یا مسافر از جایی به جای دیگر. **تعریف**

فعالیت تکمیلی (صفحه ۱۰ کتاب درسی)

۱- جملاتی که با "چيست" پایان می‌پذیرند و جملاتی که با "چرا" آغاز می‌شوند با کدام یک از دو مبحث اصلی منطق ارتباط دارند؟

چيست ← ← تعریف: چرا ← ← استدلال

در پاسخ به "... چيست؟" در مواردی نوع و در مواردی تعریف بیان می‌شود. به عنوان مثال:

اگر بپرسیم: احمد چيست؟ در پاسخ می‌گوییم "انسان"

و اگر بپرسیم: انسان چيست؟ در پاسخ تعریف انسان را بیان می‌کنیم.

به همین دلیل در سؤال پرسیده شده است که "چيست" با چه مبحثی ارتباط دارد و پرسیده نشده است که در پاسخ به سؤال از "چيست" چه چیزی ذکر می‌شود.

پاسخ به این سؤال آن است که "چيست" با مبحث تعریف ارتباط دارد و "چرا" با مبحث استدلال ارتباط دارد.

۲- از میان موارد زیر تصویرها و تصدیق‌ها را مشخص کنید:

تصویرها: منطق، کوه سهند، ارتفاعات کوه سهند.

تصدیق: منطق معیار تفکر است، تصدیق بخشی از علم است، کوه سهند مرتفع است.

۳- اگر ذهن انسان به طور طبیعی بر اساس قواعدی می‌اندیشد، چه نیازی به خواندن منطق داریم و چرا به صرف خواندن کتاب‌های منطق از خطای ذهن مصون نمی‌مانیم؟

الف) منطق قانون طبیعی ذهن ماست و اختراع یا قرارداد اجتماعی نیست.

ب) با وجود آنکه منطق قانون طبیعی ذهن ماست، نیازمند خواندن منطق هستیم؛ زیرا ذهن در معرض لغزش قرار دارد و در مواجهه با استدلال‌های پیچیده یا تعریف مفاهیم تخصصی قادر به تشخیص سریع اشتباهات نیستیم.

ج) استفاده از منطق نیازمند به دست آوردن نوعی مهارت است و بدون تمرین و ممارست نمی‌توان به صورت مناسب و به موقع از آن استفاده کرد.

د) هر علمی به صرف خواندن مفید نیست و باید در عمل از آن استفاده کرد. بدین جهت به صرف خواندن کتاب‌های منطقی و بدون استفاده از آن، از خطا مصون نمی‌مانیم.

ه) گاهی انسان تحت تأثیر عوامل روانی و احساسی قرار می‌گیرد و عواطف و احساسات وی بر عقل او سایه می‌افکند.



درس ۲: لفظ و معنا

آنچه در این بخش می‌خوانیم

مشخص کنید که هر یک از عبارات زیر درباره خود لفظ‌اند یا در مورد امری ذهنی یا امری در جهان خارج:

۱- خواب خوبی دیدم(.....) .

۲- خواب "چهار حرف دارد(.....) .

۳- وقتی زنگ زدی، خوابیده بودم(.....) .

با بررسی سه جمله بالا مشاهده می‌کنید که مراد ما از مطالبی که بیان می‌کنیم، گاه مربوط به ذهن است و گاه مربوط به زبان (لفظ) و گاه مربوط به خارج از ذهن.

۱- اگر تلفن دوستان را اشتباه حفظ کنید، این خطای ذهنی باعث خطای خارجی خواهد شد.

۱- اگر از روی دفترچه تلفن دو فامیل هم‌نام خود را با یکدیگر اشتباه کنید، این خطای ناشی از دو نام مشابه باعث خطای خارجی خواهد شد.

مثال‌های بالا نشان می‌دهند که میان سه حیطه ذهن، زبان و خارج ارتباط وجود دارد و خطا در یکی از آنها می‌تواند باعث خطا در سایر موارد شود.

وظیفه منطق جلوگیری از خطای اندیشه و ذهن است و ذهن با دو حیطه زبان (الفاظ) و جهان خارج ارتباط دارد؛ به همین دلیل در این بخش به دو مبحث: رابطه "لفظ و معنا" (در درس دوم) و رابطه "مفهوم و مصداق" (در درس سوم) می‌پردازیم.

برای بیان و انتقال افکار خود به دیگران از الفاظ استفاده می‌کنیم. از آنجا که خطای در الفاظ و معنای آنها می‌تواند باعث خطا در اندیشیدن (تعریف و استدلال) شود، به مبحث الفاظ در منطق توجه خاصی می‌شود. علم منطق وابسته به زبانی خاص نیست و لذا در این بحث وارد قواعد صرفی و نحوی نمی‌شویم؛ بلکه به بررسی اصول کلی‌ای می‌پردازیم که اطلاع از آنها در حیطه زبان (الفاظ)، به ما در جهت جلوگیری از خطای اندیشه یاری می‌رسانند.

اشتراک لفظ

به موارد زیر توجه کنید:

- فردی دو ساعته، پیاده از تهران به مشهد رفت! (مسافرت وی سه هفته طول کشید، ولی همواره دو عدد ساعت به دست خود بسته بود!)
- روزی راننده‌ای به پیچی رسید؛ خم شد و آن را برداشت!
- او سیر است. سیر بد بو است؛ پس او بد بو است!

خطاهایی که جملات فوق پدید می‌آورند، ناشی از چه مطلبی در مبحث الفاظ‌اند؟

در هر زبانی، گاه چند معنای متعدد به کمک یک لفظ واحد بیان می‌شوند. مانند لفظ "شیر" که دارای سه معنا در زبان فارسی است. به این کلمات "مشترک لفظی" می‌گویند.

بسیاری از لطیفه‌ها نیز براساس اشتراک لفظ پدید آمده‌اند، به مثال زیر توجه کنید:

- فردی چند بلوک سیمانی را روی دوشش گذاشته بود و می‌برد. یکی به او گفت: چرا اینها را با فرغون نمی‌بری؟! گفت: دفعه قبل با فرغون بردم، چرخش پشتم را اذیت کرد!



چند لطیفه بر اساس اشتراک لفظ بیابید و آنها را در کلاس مطرح کنید.

اشتباه گرفتن کلماتی که ظاهری مشترک دارند، باعث بروز مغالطه "اشتراک لفظ" می‌شود. این مغالطه یکی از شایع‌ترین انواع خطاهای ذهنی است و به تعبیر مولوی: "اشتراک لفظ دائم رهزن است"

تمرین (صفحه ۱۴ کتاب درسی)

۱- زیر الفاظ مشترک خط بکشید و معانی مختلف آنها را بیان کنید:

- امشب صدای تیشه از بیستون نیامد / شاید به خواب شیرین فرهاد رفته باشد
آب خوش، خوابی که شیرین می‌بیند.

- علی کاری است. کاری غذا را خوشمزه می‌کند؛ پس علی غذا را خوشمزه می‌کند.
فعال و کوشا، نوعی ادویه

۲- معنای واژه‌های زیر را مشخص کنید:

- شما نمی‌توانید وارد بخش مراقبت‌های ویژه بشوید. اجازه ندارید، ما جلوی شما را می‌گیریم.
- چون رانندگی بلد نیستی، نمی‌توانی ماشین را داخل پارکینگ بیاوری. بلد نیستی (مهارت نداری)، قادر به انجام
صحیح این کار نیستید.

- پیر شده‌ای و دیگر نمی‌توانی این سنگ را بلند کنی. قدرت نداری، نیروی لازم را نداری.

نحوه دلالت لفظ بر معنا در جملات

لفظ "خانه" در هریک از جمله‌های زیر به چه معنایی به کار رفته است؟

۱- خانه‌ام را فروختم.

۲- خانه‌ام را رنگ کردم.

۳- خانه‌ام را دزد برد.

لفظ خانه در کاربرد نخست بر کل خانه دلالت دارد؛ به این نوع دلالت لفظ بر معنا که مطابق با معنای اصلی لفظ است، "دلت مطابقی" می‌گویند.

لفظ خانه در کاربرد دوم بر دیوارها و سقف آن دلالت دارد و شامل سایر بخش‌های خانه نمی‌شود. به این نوع از دلالت لفظ بر معنا که متضمن (دربدارنده) بخشی از معنای اصلی لفظ است، "دلت تضمینی" می‌گویند.

لفظ خانه در کاربرد سوم خود تنها بر وسایل خانه دلالت دارد و شامل هیچ بخشی از اجزای تشکیل دهنده ساختمان خانه نمی‌شود. به این نوع از دلالت لفظ بر معنا که بر لازمه یک شیء دلالت می‌کند، "دلالت التزامی" می‌گویند.

تمرین (صفحه ۱۵ کتاب درسی)

نوع دلالت لفظ بر معنا را در عبارات زیر تعیین کنید:

- تند ورق نزن، **کتابم** را پاره کردی! **صفحات کتابم** (دلالت تضمن)
 - فلانی **شیر** است. **شجاع** (دلالت التزامی)
 - **کتابم** را گم کردم. **کل کتاب** را گم کرده است (دلالت مطابقی)
 - **ماشینم** خراب شد. **بخشی از ماشین** (مثلاً موتور آن یا بدنه آن) خراب شده است (دلالت تضمن)
- به کار بردن معانی مطابقی، تضمنی و التزامی کلمات به جای یکدیگر به خطایی منتهی می‌شود که آن را "مغالطه توسل به معنای ظاهری" می‌نامند.

به موارد زیر توجه کنید و بگویید در هریک، بر معنای ظاهری کدام کلمه تأکید شده است:

- نمونه‌ای تاریخی: محمدشاه قاجار در حرم امام رضا (ع) قسم یاد کرده بود که هرگز خون وزیر خود قائم مقام فراهانی را نریزد. لذا هنگامی که تصمیم به کشتن وی گرفت، دستور داد او را خفه کردند!
- گفته بودم اگر به رستوران بیایم، پول غذا را من حساب می‌کنم که الان حساب کردم: سه تا کباب بود و دو تا دوغ و یک نوشابه، می‌شود ۴۲۵۰۰ تومان؛ اما نگفته بودم که پول غذا را من پرداخت می‌کنم!

شیوه نگارش کلمات

معانی را می‌توان به دو صورت کتبی و شفاهی به دیگران منتقل کرد. بنابراین اشتباه در کتابت و نگارش نیز می‌تواند باعث پدید آمدن خطای ذهنی شود.

به موارد زیر توجه کنید:

- گنجینه پنهان شده، توسط هوشنگ کشف شد.
- گنجینه پنهان شده توسط هوشنگ، کشف شد.

- او برای بازدید پنج روزه، از اصفهان به شهر ما آمد.

- او برای بازدید پنج روزه از اصفهان، به شهر ما آمد.

عدم رعایت دقیق علائم سجاوندی و حرکات کلمات، باعث پدید آمدن "مغالطه نگارشی کلمات" می‌شود.

این خطا می‌تواند به جز علائم سجاوندی و حرکات، ناشی از دیکته کلمات نیز باشد؛ مانند:

- فردا سفر تمام می‌شود.

- فردا صفر تمام می‌شود.

بدین جهت بخشی از کار ویراستاران، بررسی صحت علائم سجاوندی و در صورت نیاز، حرکت گذاری برخی از کلمات و نیز اصلاح غلط‌های املائی است.

تمرین (صفحه ۱۶ کتاب درسی)

با تغییر علائم سجاوندی، معانی مختلف جملات زیر را مشخص کنید:

- به نظر علی احمدی دانشجوی خوبی است.

به نظر، علی احمدی دانشجوی خوبی است.

به نظر علی، احمدی دانشجوی خوبی است.

به نظر علی احمدی، دانشجوی خوبی است (این نحو از قرائت می‌تواند در ادامه یک جمله دیگر معنا داشته باشد).

- یک کنفرانس علمی در مورد حفاری چاه‌های نفت در شهر بوشهر برگزار می‌شود.

یک کنفرانس علمی در مورد حفاری چاه‌های نفت، در شهر بوشهر برگزار می‌شود.

یک کنفرانس علمی در مورد حفاری چاه‌های نفت در شهر بوشهر، برگزار می‌شود.

معنای کلمات زیر را بنویسید:

- ارز: پول خارجی، بها

- عرض: پهنا (در برابر طول)، مدت زمان (همچنین "عرض" به معنای آبرو و "عَرَض" اصطلاحی فلسفی در مقابل

جوهر هستند).

- ارض: زمین، سرزمین

- مُلک: کشور، پادشاهی

- مُلک: به صورت "مَلِک" به معنای پادشاه و به صورت "مَلْک" به معنای فرشته است.

- ملک: دارایی، آنچه در تصرف شخص باشد.

ابهام در مرجع ضمیر

حکایت زیر را بخوانید و بگویید منشأ خطای پادشاه لیدیه چه بود؟

پادشاه لیدیه پیش از جنگ با ایران، با کاهن معبد مشورت کرد. کاهن پیشگویی کرد "در جنگ لیدیه با ایران آن پادشاهی قدرتمند نابود خواهد شد". پادشاه لیدیه با شنیدن این خبر با شادمانی به جنگ رفت؛ اما شکست سختی خورد و نزدیک بود که کشته شود. وی شکوائیه‌ای برای کاهن فرستاد. کاهن پاسخ داد که پیشگویی وی صحیح بوده است و او با این کار پادشاهی قدرتمند لیدیه را نابود ساخته است!



استفاده از عبارات دو پهلو می‌تواند باعث بروز خطای اندیشه شوند. به مثال‌های زیر توجه کنید و سعی کنید دو معنای متفاوت از آنها برداشت کنید:

- رستم بر اسب نشست، دستی بر سرش کشید و حرکت کرد.

۱- ****

۲- ****

- پلنگ به دنبال آهو بود که شکارچی به او شلیک کرد.

۱- ****

۲- ****

ابهام موجود در جملات بالا که ناشی از مشخص نبودن مرجع ضمیر است، می‌تواند منشأ خطای اندیشه گردد؛ از این رو آن را "مغالطهٔ ابهام در مرجع ضمیر" نامیده‌اند.

تمرین (صفحهٔ ۱۸ کتاب درسی)

دو پهلوی بودن عبارت‌های زیر را توضیح دهید:

- فرمانروای ظالمی یکی از مبارزان را دستگیر کرد و با او شرط کرد در صورتی که به فلان شخصیت در ملاء عام دشنام دهد، او را آزاد خواهد کرد. مبارز در برابر مردم گفت: ای مردم! فرمانروا از من خواسته است که فلان شخصیت را لعنت کنم، پس لعنت خدا بر او باد!

۱- لعنت خدا بر فرمانروای ظالم باد؛ ۲- لعنت خدا بر شخصیت مورد علاقهٔ مردم باد.

- سارا کتاب‌های احمد را به برادرش داد.

فعالیت تکمیلی (صفحهٔ ۱۸ کتاب درسی)

۱- در عبارات زیر امکان پدید آمدن چه برداشت‌های متفاوتی وجود دارد؟ توضیح دهید.

الف) خانم پزشکی دیروز به عیادت بیماران آمد.

خانمی که فامیل او "پزشکی" بود ... (همچنین گاه به معنای خانمی است که فامیل همسر او "پزشکی" است).

زن یک پزشک...؛

خانمی که پزشکی شغل او بود...؛

همچنین می‌توان با گذاشتن ویرگول پس از خانم، جمله را به صورت خطاب به یک خانم خواند.

ب) او گفت که این کتاب من است.

او گفت که این کتاب مال خودش است؛

او گفت که این کتاب مال من گوینده است.

ج) پسر با دیدن پدر خود، گرد و خاک لباسش را تکاند.

د) چون ازو گشتی همه چیز از تو گشت.

“از او گشتن” دارای دو معنا است:

۱- از آن او شدن (چون از آن او شدی، همه چیز از آن تو شد)؛

۲- از او برگشتن و به او پشت کردن (چون به او پشت کردی، همه چیز به تو پشت کرد).

ه) سعید همسایه‌اش را تکریم می‌کند. او فرد متدینی است.

سعید فرد متدینی است؛

همسایه سعید فرد متدینی است.

و) عفو لازم نیست اعدامش کنید.

عفو لازم نیست، اعدامش کنید؛

عفو، لازم نیست اعدامش کنید.

۲- الف) با مراجعه به کتاب علوم و فنون ادبی (۱) کدام یک از اقسام جناس، می‌تواند باعث مغالطه اشتراک لفظ شود.

جناس تام (در جناس تام، لفظ از نظر کتابت و تلفظ یکی است و معنا مختلف است).

ب) یک مثال از اشتراک لفظ در ادبیات ذکر کنید که باعث زیبایی کلام شده باشد.

هر مثال مناسبی قابل قبول است؛ مانند: برادر که در بند **خویش** است، نه برادر نه **خویش** است.

ج) در کنایه و استعاره در ادبیات از دلالت مطابقه استفاده می‌شود یا دلالت التزامی؟ **دلالت التزامی**

۳- نوع دلالت الفاظ زیر را از میان مطابقه، تضمّن و التزام، مشخص کنید:

الف) او **حاتم** بخشی می‌کند. **دلالت التزامی**

ب) دزد **ماشینم** را برد. **دلالت مطابقه**

ج) **کفشم** را واکس زدم. **دلالت تضمن** (زیرا فقط روی کفش را واکس می‌زنیم)

د) خانه **خرابم** کردی. **دلالت التزامی**

۴- نوع مغالطات زیر را تعیین کنید:

الف) چرا تمرین‌ها را حل نمی‌کنی و نشست‌های کتاب داستان می‌خوانی؟ چون دبیرمان گفت بروید مطالعه

کنید؛ نگفت بروید تمرین حل کنید! **مغالطه توسل به معنای ظاهری**

ب) سلمانی با تیغ دور سر فردی را اصلاح می‌کرد که ناگهان تیغ پوست وی را برید. فرد اعتراض کرد که سرم را

بریدی. سلمانی گفت: سر بریده که حرف نمی‌زند! **پاسخ سلمانی توسل به معنای ظاهری بوده است.**

۵- نشان دهید چگونه با تغییر حرکات کلمات زیر معنای آنها تغییر می‌کنند:

کشت: (**کِشت، کُشت**)

شکر: (**شُکر، شِکر**)

سم: (**سَم، شَم**)

سحر: (**سَحَر، سِحر**)

نشسته: (**نِشسته، نَشسته**)

دسته‌بندی نمونه‌ها

مثال‌ها و نمونه‌های مرتبط با عناوین مطرح شده در این درس را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد:

۱- مواردی که در آنها یکی از انواع مغالطات به کار رفته‌اند.

۲- مواردی که دارای مغالطه نیستند اما مغالطه‌خیز به شمار می‌آیند و امکان به اشتباه افتادن افراد در آنها وجود دارد.

۳- مواردی که تنها مثال‌هایی از عناوین این درس بوده و مغالطه و مغالطه‌خیز نیستند؛ مانند بسیاری از موارد کاربرد اشتراک لفظ در ادبیات.

مغالطات ناشی از الفاظ

- ۱- مغالطه اشتراک لفظ: هنگامی که میان یک معنای مطابقی لفظ با معنای مطابقی دیگر آن اشتباه شده باشد؛ به عنوان مثال شیر جنگل (دلالت مطابقی) و شیر خوراکی (دلالت مطابقی) با یکدیگر اشتباه گرفته شده باشند.
- ۲- مغالطه توسل به معنای ظاهری کلمات: هنگامی که میان معنای مطابقی یک لفظ و معنای تضمنی یا التزامی آن اشتباه شده باشد؛ به عنوان مثال شیر جنگل (دلالت مطابقی) و شیر به معنای شجاعت (دلالت التزامی) با یکدیگر اشتباه گرفته شده باشند.
- ۳- مغالطه شیوه نگارشی کلمات
- ۴- مغالطه ابهام در مرجع ضمیر



درس ۳: مفهوم و مصداق

- خودکار چیست؟ یک نمونه از آن را نشان دهید.

- به چه کسی پیامبر گفته می‌شود؟ نام چند نفر از پیامبران را ذکر کنید:

معنای کلمات خودکار و پیامبر را می‌فهمید و درک می‌کنید؛ بدین جهت به آنها "مفهوم" می‌گویند. به افراد یا اشیایی در جهان که این مفاهیم بر آنها صدق می‌کنند، "مصادق" گفته می‌شود. به عنوان مثال خودکاری که نشان دادید یا پیامبرانی که نام بردید، مصداق‌های مفاهیم خودکار و پیامبر هستند.

مفهوم جزئی و مفهوم کلی

اگر در کتاب فروشی بگویید "کتاب داستان می‌خواهم"، چه تفاوتی با "این کتاب داستان را می‌خواهم" دارد؟

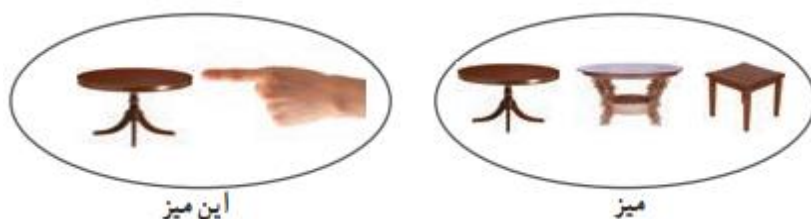
۱- "این کتاب داستان" تنها بر یک مصداق خارجی قابل انطباق است؛ یعنی فقط بر همان کتابی که به آن اشاره کرده‌اید و کتاب فروش فقط همان کتاب را به شما می‌فروشد.

۲- "کتاب داستان" بر مصادیق متعددی در خارج قابل انطباق است؛ یعنی شامل تمامی کتاب‌های داستان می‌شود و کتاب‌فروش می‌تواند کتاب‌های مختلفی را به شما معرفی کند.

مورد نخست را **مفهوم جزئی** می‌نامند. مفهوم جزئی، مفهومی است که مصداق آن کاملاً مشخص است و قابلیت انطباق بر بیش از یک مورد را ندارد.

مفهوم جزئی معمولاً یا اسمی خاص است؛ مانند: حسن، رخس، رود ارس یا با صفات اشاره "این" و "آن" همراه است؛ مانند: این میز یا آن صندلی.

مورد دوم را **مفهوم کلی** می‌نامند. مفهوم کلی، مفهومی است که قابلیت انطباق بر بیش از یک مورد را دارد؛ خواه این مورد، از موارد واقعی خارجی باشد یا از موارد فرضی؛ مانند: میز، صندلی، رود و دیو باشد.



تمرین (صفحه ۲۱ کتاب درسی)

مفاهیم جزئی و کلی را مشخص کنید:

خداوند: (کلی)

الله: (جزئی)

حضرت علی (ع): (جزئی)

مولود کعبه: (کلی)

درخت: (کلی)

درخت سرو: (کلی)

کتاب: (کلی)

این کتاب: (جزئی)

پسر: (کلی)

آن پسر: (جزئی)

پسر احمد: (جزئی)

مریخ: (جزئی)

مشهد (به معنای محل شهادت): (کلی)

مشهد (نام شهری در استان خراسان رضوی): (جزئی)

به جز اسامی خاص و مفاهیمی که با صفات اشاره "این" و "آن" مشخص شده‌اند، تمامی مفاهیم کلی هستند.

رابطه میان مصادیق دو مفهوم کلی

- میان مصادیق ایرانی و آسیایی چه رابطه‌ای وجود دارد؟
- آیا همه ایرانی‌ها آسیایی هستند؟ آیا همه آسیایی‌ها در ایران زندگی می‌کنند؟
- میان مصادیق اسب و پرنده چه رابطه‌ای وجود دارد؟
- میان مصادیق سنگ و سفید چه رابطه‌ای برقرار است؟ آیا همگی سنگ‌ها سفید هستند؟ آیا همگی اشیای سفید از جنس سنگ هستند؟

اگر در بررسی رابطه میان مصادیق دو مفهوم، هر یک از آنها را با دایره‌ای نشان دهیم، میان این دو دایره چند حالت قابل تصور است؟

۱- این دو دایره ممکن است بر یکدیگر منطبق باشند و میان آنها رابطه "تساوی" برقرار باشد. مانند مصادیق انسان و متفکر یا مصادیق مثلث و سه ضلعی.



۲- این دو دایره ممکن است اصلاً مصداق مشترکی نداشته باشند و مابین (ناسازگار) با یکدیگر باشند. مانند مصادیق انسان و سنگ یا مصادیق مثلث و مربع؛ زیرا هیچ مثلثی مربع نیست. این حالت را در اصطلاح "تباین" می‌نامند.



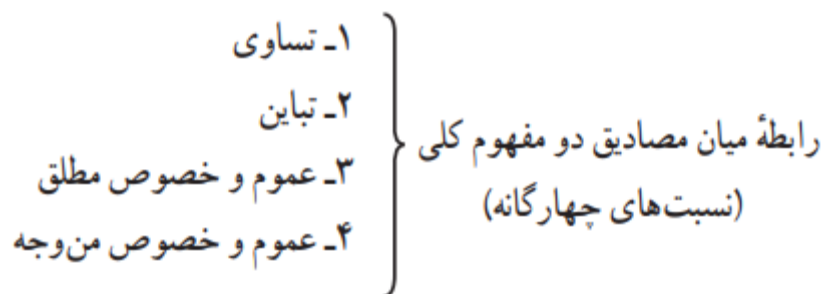
۳- یکی از این دو دایره ممکن است از دیگری بزرگ‌تر باشد و تمامی مصادیق دیگری را شامل شود. مانند آسیایی که عام‌تر از ایرانی است؛ زیرا هر ایرانی آسیایی است؛ اما برخی آسیایی‌ها ایرانی نیستند. از آنجا که در این حالت مصادیق یک مفهوم عام‌تر و مصادیق دیگری خاص‌تر است، این حالت را "عموم و خصوص مطلق" می‌نامند.



۴- این دو دایره ممکن است یکدیگر را قطع کنند. در این حالت دو مفهوم دارای مصادیق مشترک؛ اما هر یک از آنها مصادیقی دارد که در دیگری وجود ندارد. مانند مصادیق سفید و سنگ؛ زیرا برخی سنگ‌ها سفیدند و برخی سنگ‌ها سفید نیستند. این حالت را “عموم و خصوص من وجه” می‌نامند؛ زیرا مصادیق هر کدام از این مفاهیم از جهتی عام‌تر و از جهتی خاص‌تر از دیگری است.

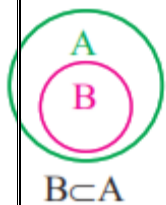


به چهار حالت فوق که ممکن است میان مصادیق دو مفهوم کلی شکل بگیرند، “نسبت‌های چهارگانه” (نسب اربع) می‌گویند.

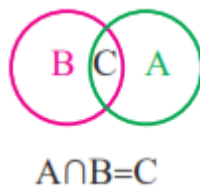


نسبت‌های چهارگانه و مجموعه‌ها

در کتاب ریاضی پایه نهم با مفهوم مجموعه‌ها و نمایش آنها از طریق نمودار ون آشنا شدید. همان‌گونه که در ریاضیات نسبت میان دو مجموعه براساس اعضای آنها بررسی می‌شود، در منطق نیز نسبت میان دو مفهوم بر اساس مصادیق آنها در نظر گرفته می‌شود که یکی از نسبت‌های چهارگانه زیر خواهد بود:



عموم و خصوص من وجه



تباین



تساوی



نتیجه اشتراک و اجتماع مجموعه‌های A و B را در هریک از چهار حالت فوق بنویسید.

تمرین (صفحه ۲۴ کتاب درسی)

با رسم شکل نسبت میان مفاهیم زیر را مشخص کنید:

آفریقایی - آسیایی: (تباين)

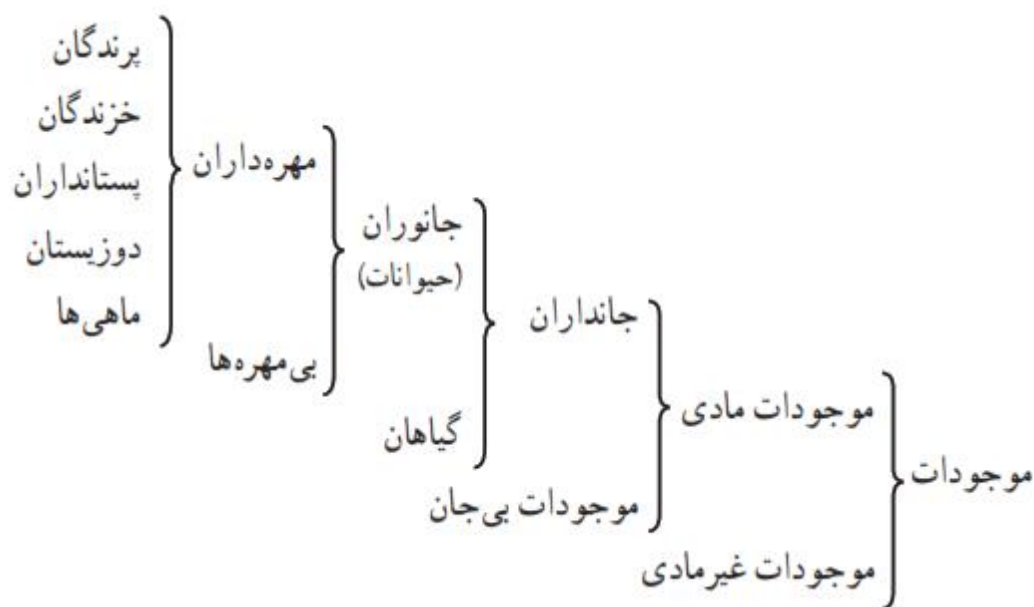
مسلمان - آسیایی: (عموم و خصوص من وجه)

هندي - آسیایی: (عموم و خصوص مطلق)

مثلث - شکل سه ضلعی: (تساوی)

استفاده از نسبت‌های چهارگانه در طبقه بندی مفاهیم

هنگامی که مفاهیمی را طبقه بندی می‌کنید، وجوه اشتراک آنها با مفاهیم مشابه و وجوه افتراق آنها با مفاهیم غیرمشابه را مشخص می‌کنید. به عنوان مثال با مراجعه به کتاب‌های فلسفه و زیست‌شناسی متوجه می‌شویم که موجودات به صورت زیر طبقه بندی می‌شوند.



در این گونه دسته بندی‌ها از مفهومی عام آغاز می‌کنیم و به مفهومی خاص می‌رسیم. برای طبقه بندی امور مختلف، در نظر داشتن نسبت‌های چهارگانه میان مفاهیم از اهمیت زیادی برخوردار است. در یک دسته بندی

درست، لازم است هر طبقه از مفاهیم نسبت به مفاهیم زیر مجموعه خود در طبقه دیگر رابطه عموم و خصوص مطلق داشته باشند مانند: (موجودات > موجودات مادی > جانداران > جانوران > مهره داران > پرندگان).

همچنین اقسام مختلف یک مفهوم باید نسبت به یکدیگر رابطه تباین داشته باشند (مانند: موجودات مادی و غیر مادی، جاندار و بی جان، جانوران و گیاهان، مهره داران و بی مهره ها، ماهی ها و دوزیستان و پستانداران و خزندگان و پرندگان).

در این درس با مفاهیم کلی و رابطه میان آنها آشنا شدید. مفاهیم کلی و رابطه میان آنها در بحث تعریف و اقسام قضایا به کار می روند که در درس های بعد با آنها آشنا می شوید.

مفاهیم کلی ذاتی و عرضی

به سؤال زیر پاسخ دهید:

- کسانی که رژیم می گیرند، از خوردن غذاهای چرب پرهیز می کنند و حتی الامکان از غذاهای بدون چربی یا کم چرب استفاده می کنند. بدین جهت کارخانه های مواد غذایی در کنار تولیدات خود، محصولات کم چرب نیز عرضه می کنند. به عنوان مثال امروزه شُس مایونز کم چرب نیز به بازار آمده است. اما آیا می توان روزی روغنی به بازار عرضه کرد که چرب نباشد؟

این مثال نشان می دهد که برخی از ویژگی های اشیا ویژگی اصلی آنها و برخی ویژگی های غیر اصلی آنها هستند. ویژگی های اصلی یک شیء را "ذاتیات" آن و سایر ویژگی های آن را "عرضیات" آن شیء می نامند. ذاتیات شیء بیانگر هویت اصلی آن شیء هستند. وقتی رنگ اتاقتان را عوض می کنید، اتاقتان هنوز همان اتاق است؛ بنابراین رنگ اتاق ویژگی اصلی اتاق نیست.

ممکن است این سؤال پیش بیاید که چگونه می توان خصوصیت اصلی (ذاتی، درونی) را از غیر اصلی (غیرذاتی، عرضی) تشخیص دهیم؟

در مواردی تشخیص ویژگی های ذاتی و عرضی با دشواری همراه است. به عنوان مثال به نظر شما "پرواز کردن" ذاتی پرنده است یا عرضی آن؟ "تخم گذار بودن" چطور؟

چنان که ملاحظه می‌کنید تشخیص ذاتیات یک شیء همواره ساده نیست و گاهی نیازمند اطلاعات کافی در حیطه‌های مختلف علمی است. بدین جهت تشخیص ذاتی یا عرضی بودن یک خصوصیت برعهده منطق‌دان نیست. به عنوان مثال تعیین خصوصیت اصلی هر عنصر با شیمی‌دان و خصوصیت اصلی هر یک از موجودات زنده با زیست‌شناس است.

“خصوصیت ذاتی انسان چیست؟” این سؤال منطقی، نقش مهمی در رفتار ما در طول زندگی دارد. کسانی که گمان می‌کنند با تغییر مدل مو یا تغییر نوع لباس یا خودروی خود هویت جدیدی یافته‌اند، در حقیقت به این سؤال پاسخی سطحی داده‌اند. پاسخ این سؤال را می‌توانید در سال‌های بعد در درس فلسفه بیابید.

مفاهیم ذاتی و عرضی را به پنج دسته تقسیم می‌کنند و آنها را کلی‌های پنج‌گانه (**کلیات خمس**) می‌نامند:

۱- به ویژگی ذاتی‌ای که مشترک میان چند شیء مختلف است، “**جنس**” می‌گویند.

- مس، آهن، قلع، سرب و روی از چه جنسی هستند؟

۲- به ویژگی ذاتی‌ای که گونه‌های مختلف یک جنس را از یکدیگر متمایز می‌کند “**فصل**” می‌گویند.

- چه ویژگی ذاتی‌ای شکل مثلث را از سایر اشکال متمایز می‌کند؟

۳- به ویژگی ذاتی‌ای که بیانگر گونه‌های مختلف یک جنس است “**نوع**” می‌گویند.

- انواع مختلف حیوان را نام ببرید:

۴- به ویژگی عرضی‌ای که مخصوص یک نوع خاص است “**عرض خاص**” می‌گویند.

- چه ویژگی عرضی‌ای تنها مخصوص انسان است؟

۵- به ویژگی عرضی‌ای که مشترک میان چند نوع است “**عرض عام**” می‌گویند.

- چه ویژگی عرضی‌ای میان پلنگ و ببر مشترک است؟

فعالیت تکمیلی (صفحه ۲۶ کتاب درسی)

۱- جزئی یا کلی بودن کلمات زیر را مشخص کنید:

جزئی: میدان آزادی، جبرئیل، خوشه پروین، خلیج فارس، ابن سینا، این کلاس، نرگس (اسم خاص)

کلی: عدد، خیابان، نرگس (نوعی گل).

۲- در جملات زیر جزئی یا کلی بودن کلمات مشخص شده را معین کنید:

الف) حافظ، حافظ قرآن بود. حافظ نخست جزئی و حافظ دوم کلی است.

ب) خطر سقوط بهمن، در بهمن زیاد است. بهمن در هر دو مورد کلی است.

ج) نجف اشرف و مرقد امامزادگان از زیارتگاه‌های اسلامی هستند. "نجف اشرف" جزئی و "مرقد امام زادگان" کلی است.

۳- با رسم شکل، مشخص کنید میان دو مفهوم کلی زیر چه نسبتی از میان نسبت‌های چهارگانه برقرار است؟

شاعر - دانش آموز: (عموم و خصوص من وجه)

مثلث - دایره: (تباین)

مثلث - شکل (عموم و خصوص مطلق)

عدد قابل تقسیم بر دو - زوج (تساوی)

مثلث - مثلث متساوی الاضلاع: (عموم و خصوص مطلق)

پرند - سیاه: (عموم و خصوص من وجه)

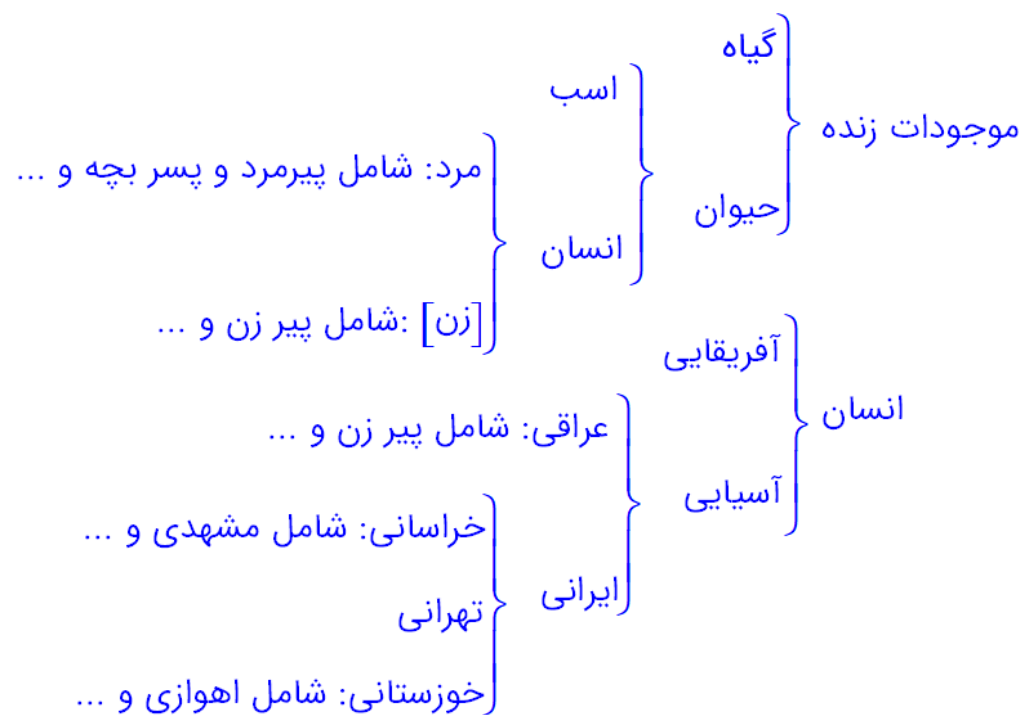
شعر - غزل: (عموم و خصوص مطلق)

موازی - متقاطع: (تباین).

۴- با در نظر گرفتن نسبت‌های چهارگانه میان مفاهیم زیر، آنها را طبقه‌بندی کنید:

الف) انسان، اسب، گیاه، مرد، زن، پیرمرد، حیوان، پسر بچه، پیر زن، موجودات زنده

ب) خراسانی، آسیایی، انسان، تهرانی، کربلایی، اهوازی، آفریقایی، عراقی، مشهدی، ایرانی، خوزستانی

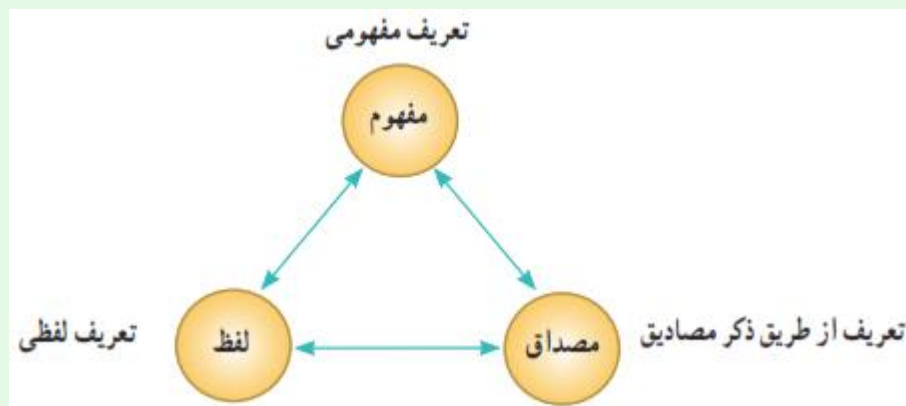


درس ۴: انواع و شرایط تعریف

آنچه در این بخش می‌خوانیم

دانستیم که با تعریف کردن به کمک تصورات معلوم به کشف تصورات مجهول دست می‌یابیم. همچنین با سه حیطه ذهن، زبان و خارج آشنا شدیم.

در این بخش با سه نوع تعریف که با سه حیطه فوق ارتباط دارند آشنا می‌شوید.



تعریف، کاربرد وسیعی در علوم مختلف دارد. در تمامی علوم از اصطلاحات تخصصی خاصی استفاده می‌شود که در آن علم تعریف می‌شوند؛ اصطلاحاتی همچون: گشتاور در فیزیک، قضیه در منطق، فتوسنتز در زیست‌شناسی، جلگه در جغرافیا و ...

در بحث و گفت‌وگوی میان دو نفر نیز داشتن تعریفی مشترک از یک مطلب اهمیت دارد. گاهی اوقات ریشه اصلی اختلافات ناشی از مشخص نبودن مفاهیم و نداشتن تعریفی دقیق از آنها است. بدین جهت آموختن نحوه تعریف صحیح مفاهیم و انواع تعریف، در زندگی انسان از اهمیت زیادی برخوردار است و ما را از دچار شدن به بسیاری از خطاهای ذهن باز می‌دارد.

به بیت زیر از نظامی گنجوی توجه کنید:

“چو در طاس رخشنده افتاد مور

رهاننده را چاره باید نه زور”

اگر از شما بپرسند که “طاس” چیست؟ چگونه می‌توانید طاس را معرفی کنید؟

۱- یک راه آن است که به کتاب لغت مراجعه کنید. به عنوان مثال در لغت نامه در ذیل واژه “طاس” آمده است: